

زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان و ارائه مدل پیشنهادی

سیدمهدی موسوی شهیدی*

سیدعباس احمدی کروج**

چکیده

موقعیت ژئوپلیتیک کشورها تحت تاثیر عوامل مختلفی همچون جنگ، انقلاب و تغییر در موازنه قدرت همواره در حال تحول می‌باشد. ایران و آذربایجان از کشورهایی بوده‌اند که روابط آن‌ها در طول سه دهه گذشته دچار تغییرات زیادی شده است. آنها در همسایگی یکدیگر قرار گرفته و از موقعیت خاصی برخوردارند. همین موقعیت خاص در طول تاریخ موجب رقابت‌ها و تنش‌هایی در روابطشان شده است. اما در کنار آن می‌توان اشتراکات قومی، مذهبی، تاریخی و اقتصادی آنها را به عنوان پتانسیلی برای همکاری ذکر کرد. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصدد شناخت روابط ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان با ایران در زمینه‌های رقابت، تنش و همکاری است. آذربایجان در منطقه ای واقع شده که به دلیل خصوصیات جغرافیایی و همسایگی با ایران همواره مورد توجه قدرت‌های جهانی بوده و بررسی ژئوپلیتیک آن می‌تواند در اتخاذ تصمیمات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی کشور ما سودمند و برای کاستن از تصادمات احتمالی در آینده مفید باشد. با در نظر گرفتن ژئوپلیتیک دو کشور، این نوشتار به بررسی این پرسش می‌پردازد که «چه عواملی در تعامل، رقابت و تنش ژئوپلیتیکی دو کشور تاثیرگذار هستند؟». نتایج پژوهش نشان می‌دهد زمینه‌هایی نظیر رودخانه ارس، انتقال نفت آذربایجان به بازارهای جهانی، بحران قره‌باغ، روابط آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی، اقدام‌های خصمانه و تحریک‌آمیز علیه امنیت ملی ایران منجر به تنش و رقابت دو کشور شده است. در مقابل درهم‌تنیدگی ژئوپلیتیکی دو کشور، ظرفیت مناسب

* کاندیدای دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) s.m.mousavi1990@ut.ac.ir

** استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

Abbas_ahmadi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

فصلنامه روابط خارجی، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۰۲-۶۹

همکاری ژئواکونومیک، تنگنای ژئوپلیتیکی آذربایجان، پیوستگی و مجاورت جغرافیایی، تعاملات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی زمینه را برای همکاری دو کشور فراهم آورده است. در پایان مدل روابط ژئوپلیتیکی دو کشور و پیشنهادهایی برای توسعه تعاملات میان دو کشور ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، رقابت، تنش، همکاری

مقدمه

«پاتریک اسولیان»، واقعیت قدرت را عبارت از به جریان انداختن و موج بخشیدن به انواع بسیاری از تحرکات بین مردم در مکان‌های مختلف جغرافیایی عنوان کرده است (Ousolivan, 1986: 77). در واقع، عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ژئوپلیتیک مانند جغرافیای سیاسی با مفاهیمی مانند قدرت، سیاست، فضا، مکان و قلمرو سروکار دارد و تعداد زیادی از فعل‌وانفعالات در این زمینه‌های مختلف را دربر می‌گیرد (Jones at el, 2014: 170). به عبارت دیگر ژئوپلیتیک تجزیه و تحلیل تعاملات بین چشم‌اندازهای جغرافیایی از یک سو و فرایندهای سیاسی از سوی دیگر است. هم چشم‌اندازهای جغرافیایی و هم فرایندهای سیاسی پویا هستند و هر یک تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرند. ژئوپلیتیک به پیامدهای این تعاملات می‌پردازد (Cohen, 2014). یکی از موضوعات مهم در ژئوپلیتیک «روابط ژئوپلیتیکی»^۱ می‌باشد، روابط ژئوپلیتیکی بررسی و تجزیه و تحلیل تأثیرات مؤلفه‌های جغرافیایی بر روابط میان دولت‌ها و روابط بین‌الملل می‌باشد (Britanica, 2017). به طور کلی روابط ژئوپلیتیکی روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عوامل سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. بنابراین درک پدیده‌های خاص که در روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها رخ می‌دهد نیاز به در نظر گرفتن عوامل جغرافیایی دارد (Scholvin, 2016: 4). عامل جغرافیا در روابط ژئوپلیتیکی نقش بستر ساز را ایفا کرده و انگیزه‌های لازم را برای

شکل‌گیری اراده‌سیاسی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۶۲). از سوی دیگر شیوه‌های مسلط رفتار میان دولت‌ها، به واسطه نوع روابطشان با یکدیگر، در محدوده طیفی از الگوها شامل «تعامل^۱»، «سلطه^۲»، «نفوذ^۳»، «رقابت^۴» و «تقابل^۵» متغیر است (پویان، ۱۳۹۱: ۱۱۴). امروزه ژئوپلیتیک، روابط ژئوپلیتیکی و تحلیل‌های آن بیشتر در مقیاس فرا کشوری انجام می‌شود بنابراین بررسی الگوی روابط ژئوپلیتیک در سه مقیاس بین‌المللی، منطقه‌ای و جهانی قابلیت بحث و بررسی را دارد.

ایران و آذربایجان دو کشوری هستند که در همسایگی هم قرار گرفته و به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی خود از اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره مورد توجه جهانیان قرار داشته‌اند، با نگاهی به پیشینه روابط تاریخی ایران و آذربایجان پی می‌بریم همواره ضعف‌های ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور، تنش‌هایی را به وجود آورده است. از یک سو، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه‌ی خاورمیانه، به گونه‌ای بوده است که قدرت‌های جهانی و نیز کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است؛ زیرا در بسیاری از موارد منافع ملی کشورهای منطقه و منافع بازیگران داخلی کشورهای منطقه در رابطه‌ی مستقیم با شرایط ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران و تصمیمات رأس نظام سیاسی ایران قرار دارد. در سطح جهانی اهمیت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به گونه‌ای تشریح شده است که آن را «هارتلند ژئوپلیتیک» قرن بیست و یکم و در قلب منطقه‌ی بیضی شکل انرژی استراتژیک، قرار داده است. به‌طوری که هر گونه تغییری در وضعیت ژئوپلیتیک ایران، شرایط ژئوپلیتیکی

-
1. Interaction
 2. Domination
 3. infiltrate
 4. Competition
 5. Contrast

کشورهای منطقه خاورمیانه را بر هم زده و در سطح جهانی تغییرات و تبعات ژئواستراتژیک بر جای می‌گذارد. از سوی دیگر، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز جنوبی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. این کشور با دارا بودن بیش از ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با جمهوری اسلامی ایران، افزون بر دارا بودن ویژگی‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی ممتاز، به لحاظ تاریخی و فرهنگی نیز از اهمیت فراوانی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است. این کشور دارای منابع قابل توجه نفت و گاز و دومین کشور شیعه در جهان (بعد از ایران) بوده و مهمترین همسایه‌ی آن کشور ایران است؛ بنابراین ضروری است برای تامین منافع ملی و تمامیت ارضی کشور نسبت به عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی تاثیرگذار بر روابط دو کشور شناخت کافی و دقیقی کسب نموده و در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های راهبردی و سیاست خارجی خود با جمهوری آذربایجان، توجه قابل ملاحظه‌ای به این کشور شود.

این نوشته با رویکرد توصیفی - تحلیلی درصدد است مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های تعامل، رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان را بررسی کند و مدل پیشنهادی مناسبات ژئوپلیتیکی دو کشور را ارائه دهد.

چارچوب نظری پژوهش

۱. ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک در قالب دانش جغرافیای سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان توسعه پیدا کرد، مفهومی که هدف ساختار فکری آن شناسایی و ساماندهی روش‌هایی است که دولت‌ها به کمک آن می‌توانند قدرت خارجی خود را افزایش دهند و در این مسیر از مسائلی مثل توپوگرافی، هیدرولوژی، منابع مربوط به کشاورزی، صنعت، سیستم حمل‌ونقل و ارتباطات به بهترین شکل ممکن بهره ببرند (Garfinkle, 2015: 330). درواقع ژئوپلیتیک، تجسم جهان به لحاظ مناطق جغرافیایی، منابع طبیعی و دسترسی به دریاها توسط کشورهایی بود که در رقابت با سایر کشورها برای دستیابی به این مناطق و منابع در تلاش بوده و هستند

(Clopsa, 2016: 170). اما با وجود این تنوع در درک، گرایش‌ها و اهداف ژئوپلیتیکی، استمرار مهمی نیز در روند تحولی مفهوم ژئوپلیتیک دیده می‌شود؛ تم‌های پایدار جغرافیایی که از طریق گفتمان ژئوپلیتیکی از مبدأ خود در اروپای رنسانس جریان دارد و جهان را یک نهاد واحد می‌بیند و کشورهای سرزمینی، بازیگران در سیاست‌های جهانی‌اند که به دنبال استراتژی‌های تفوق جهانی هستند (Agnew, 2013).

۲. روابط ژئوپلیتیک

مطالعه روابط کشورها از بعد ژئوپلیتیک مستلزم شناسایی زمینه‌ها و ابعاد جغرافیایی روابط میان کشورها است که روابط ژئوپلیتیک شناخته می‌شود. برای ساختن مدلی برای روابط ژئوپلیتیک باید عواملی که منجر به قدرت ملی کشورها می‌شود در نظر گرفته شود و اینها می‌تواند شامل عواملی نظیر جغرافیا، جمعیت، مساحت، اقتصاد، عوامل سیاسی و جنبه‌های نظامی باشد (Levkovs & Makarenko, 2015: 330). «پیتر تیلور»^۱ به روابط ژئوپلیتیکی میان دولت‌ها تأکید می‌کند و معتقد است که «ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه توزیع جغرافیایی قدرت بین کشورهای جهان، به‌ویژه روابط بین قدرت‌های بزرگ و اصلی» (Taylor, 1994: 330). می‌توان گفت که جغرافیا نقش بستر ساز را برای شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی میان کشورها ایفا می‌کند. در این میان بسترها و زمینه‌های جغرافیایی روابط متفاوت می‌باشند، در این میان برخی اندیشمندان مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، تغییرات آب‌وهوایی، مهاجرت و مسائل زیست‌محیطی را به‌عنوان بسترها و زمینه‌های جغرافیایی روابط ژئوپلیتیک میان کشورها می‌دانند (Pismennaye, 2015: 124). ابعاد روابط ژئوپلیتیک میان کشورها در زمینه‌های تعامل، رقابت، تقابل، نفوذ و سلطه متغیر می‌باشد (پویان، ۱۳۹۲).

1. Peter Taylor

شکل ۱. ابعاد روابط ژئوپلیتیک



منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس مطالعه و تحلیل متون

جدول ۱. تعامل و تقابل و رقابت ژئوپلیتیک در نظریه‌ها و رویکردها

عنوان نظریه (رویکرد)	نظریه پرداز	مؤلفه‌های اصلی نظریه
هرج و مرج در آینده	کاپلان	در این نظریه، بر مسائل زیست‌محیطی، هیدروپلیتیک، بالا آمدن سطح دریاها، اکولوژی، فرسایش خاک، جمعیت و گروه‌های قومی در شکل‌گیری الگوی روابط تنش‌آمیز میان کشورها تأکید شده است.
یوردی فون لوهازن	فون لوهازن	در این رویکرد، بر اهمیت موقعیت جغرافیایی، منابع نفت و گاز و تنگه‌های بین‌المللی در روابط کشورها تأکید شده است.
لوئیز ریچاردسن	ریچاردسن	در این نظریه بیش از هر چیزی بر تعداد همسایگان تأکید شده است. درواقع نویسنده معتقد است که روابط بین ناحیه‌ای (تعامل، رقابت و مشاجره) بیش از هر چیزی تابع تعداد همسایگان است.
بیضی استراتژیک انرژی	جفری کمپ	در این نظریه تأکید اصلی بر منابع ژئواکونومیک (نفت و گاز)، موقعیت جغرافیایی و موقعیت ژئواستراتژیک می‌باشد.
برخورد تمدن‌ها	هانتینگتون	در این نظریه، بیش از هر چیزی بر عامل فرهنگی تأکید شده است. همچنین این نظریه دو بعد تعامل و تقابل ژئوپلیتیک را در برمی‌گیرد بدین منوال که جوامعی که به هم قرائت فرهنگی دارند باهم تعامل ژئوپلیتیک خواهند داشت و نهایتاً در سطح منطقه‌ای میان مسلمانان و غیرمسلمانان خطوط گسل ایجاد شده و عاملی برای تقابل

نظریه توماس هومر و دیکسون	توماس هومر و دیکسون	ژئوپلیتیکی میان کشورها می شود .
ژئواکونومی	لوتواک	در این نظریه بر عامل ژئواکونومیک تأکید شده است. تعامل و رقابت میان کشورها دارای ماهیت اقتصادی و ژئواکونومیک هست.
هارتلند	مکیندر	در این نظریه تأکید اصلی بر موقعیت کشورها است. علاوه بر موقعیت بر وزن و کدهای ژئوپلیتیک کشورها و وسعت کشورها تأکید شده است.
ریملند	اسپایکمن	این نظریه نیز موقعیت محور است، علاوه بر موقعیت بر وزن ژئوپلیتیکی کشورها، جمعیت، موقعیت ارتباطی، ثبات منطقه‌ای و کدهای ژئوپلیتیک کشورها تأکید شده است.
قدرت دریایی	ماهان	در این نظریه نیز تأکید اصلی بر موقعیت جغرافیایی کشورها است، علاوه بر موقعیت، ویژگی‌های طبیعی، طول ساحل، وسعت قلمرو، جمعیت و خصوصیات ملی نیز در این نظریه مورد تأکید قرار گرفته است.
نظریه پیت هاگت	پیت هگت	در این نظریه بر ۱۲ مؤلفه جغرافیایی که منجر به شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی تنش آمیز میان کشورها می‌شود تأکید شده است.
منظومه‌های قدرت	برژینسکی	در این نظریه، بر مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، وضعیت ژئواکونومیک، سازمان‌های منطقه‌ای، وزن ژئوپلیتیکی در روابط میان منظومه‌های قدرت تأکید شده است.
مناقشات مرزی	جان رابرت پرسکات	در این نظریه، بر مؤلفه‌های جغرافیایی نظیر مسائل سرزمینی، موقعیت جغرافیایی، مرز جغرافیایی، منابع انرژی و رودخانه‌های مرزی در شکل‌گیری روابط ژئوپلیتیکی تنش آمیز میان کشورها تأکید شده است.
نظام جهانی	والراشتاین	در این نظریه، بر مؤلفه‌های نظیر موقعیت جغرافیایی کشورها، وزن ژئوپلیتیکی، کدهای ژئوپلیتیک، بار استراتژیک منطقه، تعداد همسایگان و وسعت کشورها تأکید شده است.

در این پژوهش بسترها و زمینه‌های رقابت، تقابل و تعاملات ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعه تعامل و تقابل و رقابت‌های ژئوپلیتیکی به عنوان الگوهای مناسبات ایران و آذربایجان در این پژوهش، بر اساس مطالعه نظریه‌ها و رویکردهای ژئوپلیتیکی، جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل صورت گرفته است. در این پژوهش امکان به‌کارگیری یک نظریه واحد وجود نداشته است و از نظریه و رویکردهایی که آورده شده، استفاده شده است.

روش پژوهش

این پژوهش، از لحاظ ماهیت کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز بر اساس روش کتابخانه‌ای قرار دارد که با مراجعه به کتاب‌ها، مقالات، روزنامه‌ها، اینترنت و... اطلاعات لازم

فیش‌برداری و تنظیم شده است. با بررسی عوامل رقابت، تنش و تعامل در رابطه میان ایران و آذربایجان، پرسش اصلی این پژوهش آن است که «چه عوامل ژئوپلیتیکی سبب بروز رقابت، تنش و تعامل در روابط ایران و آذربایجان شده است؟». بر پایه روش شناسی این پژوهش، این فرضیه در ذهن تداعی می‌شود که به نظر می‌رسد بر پایه نظریه‌ها و رویکردهای ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل، مهم ترین زمینه‌های تعامل و درهم‌تنیدگی ژئوپلیتیکی دو کشور، همکاری‌های ژئواکونومیک و زمینه‌های تاریخی و فرهنگی مشترک دو کشور قرار دارد و از سوی دیگر مؤلفه‌های اصلی تاثیرگذار بر رقابت و تنش دو کشور در نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا) و پیرامونی (ارمنستان و رژیم صهیونیست)، اختلاف‌های سرزمینی و مرزی و مسائل قومیتی میان دو کشور نهفته است.

بحث و یافته‌های پژوهش

عوامل و بسترهای رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیکی دو کشور

۱. داشتن مرزهای طولانی زمینی و دریایی

جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران دارای مرزهای طولانی زمینی و دریایی است که عمدتاً مرزها در سه استان گیلان، آذربایجان شرقی و اردبیل امتداد دارد. هم‌مرزی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان موجب گردیده که اولیای امور، توجه خاصی به مراتب داشته و این امر بعد از فروپاشی شوروی سابق و استقلال جمهوری آذربایجان ویژگی خاصی به خود گرفته و تشدید یافته است. در مسائل مرزی مشکلات زیر مطرح بوده است:

- تردهای غیرمجاز اتباع دو سوی مرز به خاک یکدیگر (و برهم زدن ثبات مرزی)
- قاچاق مرزی (و بروز مشاغل کاذب و ظهور افت تحصیلی درمیان دانش‌آموزان نقاط مرزی)
- هجمه فرهنگی بیگانه بواسطه هم‌جواری و تردهای دوسویه مرزی
- وجود مسائل متعدد امنیتی و فعالیت‌های سوء (که از حوصله این پژوهش

(خارج است)

● قتل و جرح تعدادی از اتباع دو سوی مرز (در اثر اختلافات بر سر معاملات قاچاق مرزی و...)

۲. رودخانه ارس

رودخانه‌ی ارس با توجه به جغرافیای سیاسی ویژه آن به عنوان یکی از مهمترین رودخانه های مرزی و نیز رودخانه‌های بین المللی شناخته می‌شود. این رودخانه علاوه بر این که مرز بین ایران و آذربایجان و ارمنستان و نیز منطقه ی خودمختار نخجوان را تشکیل می‌دهد، در منتهی الیه غربی آن در کشور ترکیه و ارمنستان و در منتهی الیه شرقی آن کاملاً در جمهوری آذربایجان جریان دارد. در مجموع، باتوجه به گذشته تاریخی این منطقه و بهره برداری مشترک و مساوی از منابع آب رودخانه ارس، هم در زمان شوروی و هم بعد از استقلال جمهوری‌های جبهه شمالی رود ارس، هیدروپلیتیک این رودخانه، روند مثبت و مبتنی بر همکاری‌های فنی، اقتصادی، کشاورزی، آبیاری بوده و تقریباً منازعه قابل توجهی بر سر مسائل رود ارس بین طرفین حادث نشده است؛ اگر اختلافاتی بر سر مسائل این رود پیش آمده با گسترش مناسبات و با انعقاد موافقت‌نامه‌های مختلف حل و فصل گردیده است (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۵). باتوجه به ژئوپلیتیک همکاری بین کشورهای منطقه بر سر استفاده مشترک و برابر از منابع آبی ارس، مشاهده می‌شود که این رودخانه مرزی و بین‌المللی خود به خود زمینه‌ساز پیش نیازهای ژئوپلیتیک برای همکاری‌های ژئواکونومیک و استراتژیک در منطقه است. این امر به معنی این نیست که ژئوپلیتیک همکاری حاکم بر منطقه، برای همیشه باقی بماند. باتوجه به برداشت‌های روزافزون ترکیه و ارمنستان در بخش‌های بالادست رودخانه و نیز، این که این رودخانه باتوجه به اینکه یکی از شاخه های اصلی رود کورا محسوب شده و در هیدروپلیتیک کورا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، نمیتوان آینده هیدروپلیتیک منطقه و رود ارس را مثبت و مبتنی بر ژئوپلیتیک همکاری تلقی کرد. بنابراین، باتوجه به پیشرفت‌های اقتصادی آذربایجان و به تبع آن طرح‌های اقتصادی و صنعتی در دست مطالعه در این جمهوری و نیز افزایش جمعیت منطقه

به دلیل شکوفایی اقتصادی آن (هم درکناره شمالی و هم جنوبی) نیاز به منابع آبی منطقه افزایش خواهد یافت (ولی‌قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۶). به نظر می‌رسد اهمیت مسأله، به قدری است که اگر چاره‌جویی نشود، می‌تواند به عنوان یکی از محدودیت‌های ژئوپلیتیک فراروی فعالیت‌های همگراساز و تنش‌زدا ایفای نقش کند.

۳. انتقال نفت جمهوری آذربایجان به بازارهای جهانی

از مهمترین مسائل ژئواکونومیک آذربایجان، تعیین مسیر انتقال نفت این کشور به بازارهای جهانی است که این موضوع به محلی برای غلبه ماهیت سیاست بر ماهیت اقتصاد در روابط دو کشور تبدیل شده است. در ابتدا، برای انتقال نفت جمهوری آذربایجان گزینه‌های زیر مطرح و تنها در این پنج مورد مذاکره‌ها به طور رسمی برگزار گردید:

- خط لوله شمالی: باکو - نوروسیسک؛
 - خط لوله غربی: باکو - سوپسا؛
 - خط لوله جنوبی: باکو - ایران؛
 - خط لوله شرقی: خطی که از طریق افغانستان و پاکستان می‌گذرد؛
 - خط لوله جنوب غربی: باکو - جیحان
- خطوط لوله باکو - ایران و باکو - پاکستان، از همان ابتدا به دلیل مزایای فراوان اقتصادی با واکنش گسترده رو به رو شد. درواقع، خط لوله باکو - ایران می‌توانست به بهترین شکل ممکن نفت جمهوری آذربایجان را از مسیر جمهوری اسلامی ایران به خلیج فارس و از آنجا توسط نفتکش‌ها به بازارهای جهانی انتقال دهد، اما این مسیر با مخالفت امریکا رو به رو و درنهایت به دنبال مذاکره کنسرسیوم بین‌المللی نفت جمهوری آذربایجان و دولت آذربایجان، تعداد مسیرهای پیشنهادی به سه مسیر باکو - نوروسیسک، باکو - سوپسا و باکو - جیحان کاهش یافت.

به این ترتیب، حمل و نقل انرژی جمهوری آذربایجان و حوزه دریای خزر از مسیری غیر از ایران، عملاً باعث تقویت رقابت منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای جمهوری

اسلامی ایران خواهد شد. درحقیقت، یکی از مهمترین دلایل حضور ایالات متحده در این عرصه، تلاش برای انزوای ژئوپلیتیکی و مهار جمهوری اسلامی ایران است که این امر با عبور لوله‌های نفت و گاز از محور شرق به غرب محقق شد و در ادامه زمینه‌های مساعد دیگری را برای حضور مستقیم نظامی در حوزه دریای خزر و استفاده از منابع انرژی آن، رقابت با روسیه در فضای بعد از جنگ سرد و گسترش ناتو به سوی شرق را نصیب ایالات متحده کرد. گرچه منابع نفت و گاز آذربایجان تهدیدی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود، اما ماهیت کشورهای حاضر در این صحنه و مسیرهای حمل و نقل، تأثیرات متفاوتی بر امنیت ملی ایران دارد. در صورتی که استحصال نفت و گاز جمهوری آذربایجان با توافق کشورهای منطقه و همکاری کشورهای بی‌طرف انجام می‌گرفت، موجب هم‌گرایی کشورهای منطقه می‌گردید و جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور نفتی، با توجه به تجارب ارزنده در خصوص استخراج نفت و پالایش آن، می‌توانسته همکاری‌های زیادی با جمهوری آذربایجان داشته باشد؛ از سوی دیگر، حمل و نقل انرژی از طریق ایران می‌توانست موجب تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی و بنیۀ اقتصادی ایران و هم‌گرایی در همهٔ زمینه‌ها و از بین رفتن تهدیدها در شمال کشور و در نتیجه تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران گردد.

۴. ژئوپلیتیک اقوام

اقوام بر سیاست‌های داخلی و خارجی دولت‌ها شدیداً تأثیرگذار است و به عنوان یکی از گرایش‌های ژئوپلیتیک مطرح می‌گردد. هنجار قوم‌گرایانه جنبه تکوینی هویت دو بازیگر را دارد و یکی از مهم‌ترین نمادهای اثرگذاری عوامل غیرمادی قدرت در سیاست خارجی دو کشور است. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و استقلال جمهوری‌های ترک زبان، سیاست‌های قوم‌گرایانه تقویت شده و به جریانی تهدید کننده در کشورهایی تبدیل شده است که دارای اقلیت‌های قومی هستند (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۳۸۷). مسئلهٔ تبلیغات و ادعاهای سرزمینی برخی احزاب سیاسی داخلی جمهوری آذربایجان، مبنی بر نگرانی نسبت به جمعیت ترک ایران و مسئلهٔ پیوستگی دو بخش، همواره موجب نارضایتی ایران شده است

(برزگر، ۱۳۸۳: ۲۴۵). در سال ۱۹۹۸، نیز «اتحادیه آذربایجان واحد» به وسیله «ایلچی بیک» تأسیس شد. به نوشته روزنامه اکسپرس، هدف اصلی این گروه ابلاغ حقایق مربوط به حقوق ملی و انسانی ۳۴ میلیون آذربایجانی ساکن ایران به مجامع جهانی و آزادی آنها است (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۳۶۷). ایده «آذربایجان واحد» بارها از سوی ایران مورد اعتراض قرار گرفته است؛ از جمله می‌توان به واکنش ایران نسبت به موارد مطرح شده در کنگره جهانی آذربایجانی در مارس ۲۰۰۶، در باکو اشاره کرد. چنین ایده‌ای با توجه به پیوندهای خویشاوندی، مذهبی و فرهنگی جمعیت‌های ترک دو سوی ارس، نگرانی‌هایی را برای ایران از نظر امنیتی به وجود آورده و به همین دلیل بارها از طرف تهران محکوم شده است. در این ارتباط آمریکا، اسرائیل و ترکیه نیز از ایده قوم‌گرایی و آذربایجان واحد که توسط آذربایجان تبلیغ می‌گردد حمایت نموده و باعث ایجاد مشکلات بیشتری برای ایران گردیده‌اند، شایان ذکر است که عدم موفقیت جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ باعث تشدید تبلیغ ایده آذربایجان واحد گردید چرا که رهبران جمهوری آذربایجان یکی از دلایل شکست خود را حمایت ایران از ارمنستان می‌دانستند. به همین دلیل این مسئله هم از عوامل هویت‌سازی منفی روابط دو کشور محسوب می‌شود و زمینه‌ساز کنش و سیاست‌گذاری تقابلی دو کشور به جای همکاری در روابط ژئوپلیتیکی دو کشور شده است.

۵. قره‌باغ

یکی از پایدارترین مناقشات شوروی سابق، بحران ناگورنو قره‌باغ است. در سال ۱۹۸۸، زمانی که هیئت مقننه این منطقه قطعنامه‌ای را برای پیوستن به ارمنستان به تصویب رساند مناقشه قره‌باغ اوج گرفت. این منطقه به لحاظ قانونی در چارچوب مرزهای آذربایجان قرار دارد، اما اکثر ساکنان آن را قوم ارمنی تشکیل می‌دهند. در سال‌های پایانی حیات شوروی این منطقه توانست از آذربایجان جدا شود و در نهایت خشونت‌هایی به وجود آمد که صدها هزار آواره بر جای گذاشت. این مناقشه یک مسئله ملی و حیاتی برای جمهوری آذربایجان است. زمانی که اتحاد شوروی فروپاشید، قانون‌گذاران قره‌باغ تصمیم به اعلام استقلال کامل گرفتند. در

سال ۱۹۹۲، جنگ همه جانبه‌ای میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در گرفت و تا میانه این سال ارمنستان بخش مهمی از قره‌باغ را در کنترل خود در آورد و برای ایجاد دالان موسوم به دالان لاجین بیشتر به سوی اراضی آذربایجان حرکت کرد (Behner Lionel, 2015: 12-13). ارتش ارمنستان به وسیله روسیه و تجهیزات نظامی آن حمایت شد، در حالی که جمهوری آذربایجان با دریافت مهمات و آموزش نظامی ترکیه به سازماندهی نیروهای خود اقدام کرد (Rasizadeh, 2011: 219). این وضعیت تا زمان برقراری آتش بسی که با میانجی‌گری روسیه در ۱۹۹۴، به انجام رسید، ادامه پیدا کرد. در حال حاضر منطقه قره‌باغ و مناطق اطراف آن در کنترل ارمنستان قرار دارد (beehner, 2005).

در این دوره موضع ایران بر حل مسالمت‌آمیز بحران از طریق مذاکره، حفظ تمامیت ارضی آذربایجان و میانجی‌گری در حل و فصل مناقشه بوده است. در این موضوع مهمترین تلاش‌های مقامات ایران در ادامه آورده می‌شود:

- تلاش‌های میانجی‌گرانه ایران از سال ۱۹۹۲، که سخت‌ترین دوره این بحران بوده است آغاز شد. هیئت میانجی‌گری ایران در این دوره، ۱۱ سفر به باکو، ۱۰ سفر به ایروان، ۴ سفر به نخجوان، ۲ سفر به اسپانکرات، یک سفر به مسکو و یک سفر به تفلیس انجام داد. حاصل این تلاش‌ها مذاکرات مستقیم و آتش‌بس موقت بود.

- اولین مذاکرات رو در روی نمایندگان ویژه جمهوری ارمنستان و آذربایجان در مورد قره‌باغ در ۲۴ اسفند ۱۳۷۰، در تهران برگزار شد. اجلاس سران در تهران مبین اوج تلاش‌های ایران برای خاتمه دادن به یکی از پیچیده‌ترین مناقشات در روابط دو کشور بود، علی‌رغم تلاش‌های ایران به دلیل تصرف شهر استراتژیک شوشا توسط ارمنستان در قره‌باغ، این اجلاس نتوانست به نتایج مثبتی برسد.

- جمهوری اسلامی ایران گذشته از اقدامات و تلاش‌های میانجی‌گرایانه در حل بحران قره‌باغ، درباره کمک‌رسانی و امداد و... از هیچ کوششی دریغ نکرد. از جمله اقدامات ایران ایجاد اردوگاه منطقه صابرآباد در جمهوری آذربایجان برای

اسکان آوارگان بحران قره‌باغ در خرداد ۱۳۷۳، و اسکان آذربایجانی‌ها در اردوگاه ایمشلی بود که به وسیله هلال احمر در آبان ۱۳۷۲ بر پا شد.

● در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) و همزمان با اوج گیری مجدد مذاکرات صلح قره‌باغ مسئله حضور ایران در «گروه مینسک» به عنوان ناظر از سوی «فیلیپ دسورمن» رئیس فرانسوی وقت گروه مینسک مطرح شد، اما با مخالفت «استیون مان» رئیس آمریکایی گروه مینسک مواجه شد. در هر حال در این دوره اسناد همکاری بین ایران و آذربایجان در زمینه‌های مختلف؛ از جمله حمل و نقل به ویژه طرح اتصال خطوط آهن ایران- آذربایجان- روسیه، انرژی، برق، سد سازی، امور گمرکی و... نشان داد که ایران تا چه حد دیدگاه مثبتی با آذربایجان داشته و از ایده حل عادلانه و مسالمت‌آمیز مناقشه حمایت می‌کند اگرچه رسانه‌های غرب‌گرای جمهوری آذربایجان در این مقطع مدعی حمایت ایران از ارمنستان بودند (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵).

مقام‌های جمهوری آذربایجان به دلیل روابط رو به رشد ایران و ارمنستان، از موضع ایران در این زمینه رضایت نداشتند. آنها خواستار آن بودند که با توجه به همبستگی‌های فرهنگی و تاریخی دو کشور، ایران مواضع قاطع‌تری در حمایت از جمهوری آذربایجان بگیرد. «حیدر علی اف» در مورد حمایت ضمنی ایران از ارمنستان در مورد موضوع قره‌باغ ابراز ناامیدی کرده بود (Vatenka, 2013). مقام‌های جمهوری آذربایجان انتظار داشتند جمهوری اسلامی ایران همانند ترکیه مواضع جانب‌دارانه و نه میانجی‌گرانه‌ای را در برابر این مناقشه بگیرد و همچون آنکارا که در وضعیت قطع روابط دیپلماتیک با ارمنستان به سر می‌برد، نسبت به کاهش سطح روابط خود با ایروان برای حمایت از موضع باکو در جریان این مناقشه اقدام کند. حمایت غیر رسمی ایران از ارمنستان، زمینه ساز رقابت و تنش در نگرش آذربایجان در روابط با ایران بوده است.

۶. روابط آذربایجان با آمریکا

انقباض قلمرو قدرت شمالی ایران پس از فروپاشی شوروی، زمینه‌ساز انبساط قدرت جنوبی (آمریکا) و موجب انطباق مرزهای ژئوپلیتیک قدرت جنوبی با

مرزهای جغرافیایی قدرت شمالی (روسیه) گردیده است و این انبساط فضایی قدرت جنوبی، موجب محاصره‌ی فیزیکی و در نتیجه کاهش قدرت مانور ایران در محیط پیرامونی، همچنین افزایش هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای این کشور شده است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۶۵). فرصت‌های ژئوپلیتیک محور قفقاز- آسیای مرکزی برای آمریکا عبارت است از: دسترسی مستقیم به سرزمین و فضای جغرافیایی رقبا و مخالفین و اعمال فشار بر آنها و شکل‌دهی به فضای احساس تهدید و رعب برای ایران، افغانستان، روسیه، چین و عراق، همچنین کنترل منابع انرژی خزر در کنار خلیج فارس به عنوان ابزار اعمال نفوذ در سیاست جهانی و منفعل‌سازی سیاست کشورهای جهان به ویژه قدرت‌های رقیب و نیازمند به انرژی نسبت به خود، و نائل آمدن به موقعیت سلطه‌گری و شکل‌دهی به نظام تک‌قدرتی در جهان (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۵). با وقوع حادثه یازدهم سپتامبر، بازیگران بین‌المللی تغییر کردند و سیاست خارجی آمریکا به سوی نظامی‌گری سوق یافت. در این میان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز موقعیت مسلطی در نقشه جهانی برای آمریکا دارد و از این رو آمریکا بعد از یازدهم سپتامبر در راستای اجرای دکترین جنگ پیشگیرانه و تکمیل محاصره ایران از سمت شمال، وارد این منطقه شد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۹۶).

در ارتباط با همکاری اقتصادی - نظامی آمریکا با آذربایجان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بیشتر روابط اقتصادی دو کشور در زمینه انرژی بوده است به طوری که بستن «قرارداد قرن» در سال ۱۹۹۴، و بهره‌برداری از منابع میدان‌های نفتی «آذری» - «چراغ» - «گونشلی» و اخراج ایران از این قرارداد در این زمینه بوده است. بعد از این قرارداد روابط نزدیک آمریکا و آذربایجان تاکنون تداوم داشته است. این مسئله یکی از عوامل اصلی هویت‌بخش منفی و سبب نگرش سیاسی و امنیتی شدن روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۵، است.

- کمک نظامی آمریکا به جمهوری آذربایجان

- امکان استفاده آمریکا از سرزمین جمهوری آذربایجان برای حمله به ایران

● حساسیت آمریکا به روابط نظامی ایران و جمهوری آذربایجان (Nixey, 2010: 128).

به طور کلی سیاست خارجی ایران و روابط با جمهورهای قفقاز جنوبی، از جهت گیری‌ها و سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تأثیر پذیرفته است. به نظر می‌رسد تعارضات ایران و آمریکا از یک سو و گسترش روز افزون روابط آذربایجان و آمریکا از سوی دیگر باعث شده این عامل در روابط ژئوپلیتیکی دو کشور تنش‌زا باشد و منبعی برای رقابت دو کشور باشد.

۷. همکاری آذربایجان با رژیم صهیونیستی

جمهوری آذربایجان برای حفظ بقا و تمامیت اراضی خود، در پی جلب حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی برآمده است. حیدر علی اف کوشش کرد در فضای کشور، زمینه حضور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی غرب را فراهم آورد تا از این رهگذر و با ادغام این ساختارها با منابع غرب، از جمله پیوستن به ناتو، طرح مشارکت برای صلح، عضویت در شورای اروپا، اعزام سرباز به افغانستان و عراق و رویارویی با جنبش‌های اسلام‌گرایانه، جمهوری آذربایجان را دربرگه کشورهای مورد حمایت غرب وارد کند، تا درکنار تثبیت پایه‌ها حکومت خود و حل مشکلات اقتصادی، بحران قره‌باغ را نیز حل کند. جمهوری آذربایجان بارها بر حفظ و توسعه روابط خود با رژیم صهیونیستی تأکید کرده و آن را کتمان نمی‌کند. مسئولین این کشور حضور اقلیتی از یهودیان در جمعیت جمهوری آذربایجان را دلیل عمده این رویکرد معرفی می‌کنند، حال آنکه واقعیت از مسائل دیگری حکایت دارد. برای مثال، این کشور به تازگی اقدام به خرید تسلیحات پیشرفته نظامی؛ از جمله هواپیماهای جاسوسی بدون سرنشین و سامانه‌های پدافند موشکی به ارزش ۱/۵ میلیارد دلار نموده و وزیر امور خارجه این کشور نیز مدعی شده که این تسلیحات را فقط به منظور «آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی قره‌باغ» خریداری کرده و از این بابت هیچ تهدیدی علیه کشورهای ثالث، به ویژه جمهوری اسلامی ایران مطرح نیست. اسراییل در خاک آذربایجان فعالیت‌های جاسوسی علیه ایران انجام می‌دهد و در

سال ۲۰۰۳، دومین پایگاه اطلاعاتی خود را در منطقه جنوبی آذربایجان با هدف جمع‌آوری اخبار از ایران و با نصب دستگاه‌های شنود آغاز کرده است (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۱). همچنین میتوان به روابط گرم ترکیه و آذربایجان و تأثیر آن بر روابط باکو/ تل‌آویو در نتیجه گسترش همکاری‌های نظامی و اقتصادی/ سیاسی و در مرحله بعد حضور گسترده‌تر در تمامی مناطق شمالی ایران اشاره کرد که از این ناحیه نیز، ایران در سال‌های گذشته شاهد چالش‌هایی در راستای کاهش نفوذ خود در قفقاز جنوبی و چالش در دریای خزر بوده است (سمیعی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). روند رو به گسترش روابط جمهوری آذربایجان با آمریکا و اسرائیل که ناقض مرزهای تعیین شده در چارچوب راهبردی سیاست خارجی ایران است و نظام معنایی حاصل از این روابط سبب شده ایران با رویه‌ای که در سیاست خارجی خود دارد، هیچ‌گاه به جمهوری آذربایجان مانند یک متحد راهبردی نگاه نکند (واحدی، ۱۳۸۲: ۲۴۲). سیاست آمریکا در اصل بر کاهش نفوذ روسیه و ایران در منطقه متمرکز شده است (Shaffer, 2005: 243).

۸. اقدامات امنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران

وجود عواملی همچون فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نبود قدرت در منطقه، رویکرد غرب‌گرایانه جمهوری آذربایجان و همچنین طولانی بودن مرزهای زمینی و آبی این کشور با جمهوری اسلامی ایران باعث گردید تا نهادهای نظای و امنیتی برخی کشورها، توجه ویژه‌ای به مناطق پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در جمهوری آذربایجان داشته و تلاش آنها بر این است تا این مناطق را به حوزه‌های تهدید علیه امنیت ملی کشورمان تبدیل نمایند.

از جمله تنش‌ها و مسائل مورد چالش در روابط خارجی دو کشور در طول چند سال گذشته عبارتند از:

- دعوت واعلام آمادگی جمهوری آذربایجان برای پذیرش نیروهای مسلح معارض جمهوری اسلامی ایران (منافقین)، پس از قطعی شدن اخراج نیروهای این سازمان از عراق که در صورت تحقق آن، چالش بسیار بزرگی فرا روی روابط دو کشور قرار خواهد گرفت.

● اجازه دادن به دشمن برای حمله به ایران از قلمرو آذربایجان؛ جمهوری آذربایجان با موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی خود که در منطقه قفقاز دارد، می‌تواند با همکاری با آمریکا و پیمان ناتو، تهدیداتی را برای ایران از سوی شمال پدیدآورد و این تهدیدات عبارتند از: (امیراحمدیان؛ ۱۳۸۴: ۳۶۴).

۱. آذربایجان با دادن امکانات و تسهیلات پایگاهی و نظامی می‌تواند دسترسی نیروهای متخاصم را از سوی دریا و زمین به ایران تسهیل کند.

۲. حمله نیروهای متخاصم از قلمرو آذربایجان از جانب دشمن و از مغان و گذر از رود ارس از سوی شمال می‌تواند به سادگی انجام گیرد.

۳. در سمت شمال غربی سرحد نفوذی، ایران را به آذربایجان متصل می‌سازد که به ترتیب از شرق به غرب عبارتند از: جاده تبریز - مرند، جاده کلیبر - خداآفرین، جاده اردبیل - گرمی - بیله سوار، این جاده‌ها می‌تواند مورد استفاده نیروهای متخاصم قرار گیرد.

۴. تأسیسات نظامی و مرزبانی‌های ایران در نوار مرزی عمدتاً در دوره جنگ سرد و در مقابل پرده آهنین ایجاد شده‌اند و نیازمند ساماندهی دوباره هستند.

● ائتلاف علیه ایران

- از آنجائیکه آذربایجان با ناتوانی خود در بازپس‌گیری قره‌باغ، می‌خواهد ایران را به کمک به ارامنه متهم و مشکلات داخلی خود را فراق‌کنی کند، جناح‌های وابسته به دولت خواستار ایجاد بی‌ثباتی در ایران هستند که از طریق دامن زدن به مسئله قومی و تهدید امنیت ملی ایران می‌خواهند عدم مشروعیت خود را به طریقی دیگر پنهان و توجه افکار عمومی را به مسائل حاشیه‌ای جلب کنند. این نوع اقدامات اگرچه از طریق جناح وابسته به دولت انجام نمی‌شود ولی اقدامات بازدارنده مربوط به این موضوع، با جدیت از سوی دولت دنبال نمی‌شود.

● ادعای پیوند مناطق آذری نشین دو سوی ارس

- باوجود فعالیت‌های متعدد گروه‌ها و تشکیلات ضد ایرانی و فعالیت در راستای ادعای پوچ پیوند دو آذربایجان، «اله‌ام علی‌اف» رئیس جمهوری وقت آذربایجان، ادعاهای مربوط به پیوستن مناطق آذری دو سوی ارس و ایجاد

آذربایجان متحد را ایده‌ واهی و غیر اصولی توصیف کرد.

● ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیت اتحادیه آذربایجان واحد.

● ایجاد تسهیلات برای فعالیت کنگره آذری‌های جهان.

عوامل و بسترهای تعامل ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور

با وجود تمامی عوامل و زمینه‌های پیش گفته که منجر به تضعیف روابط دو کشور می‌گردد، زمینه‌های فراوان و متنوعی نیز برای توسعه و تعمیق روابط میان دو کشور وجود دارد که توجه به آنها می‌تواند از میزان عوامل واگرایی کاسته و افزایش هم‌گرایی را موجب گردد. در ادامه، به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

۱. درهم‌تنیدگی ژئوپلیتیکی دو کشور

آذربایجان، چه زمانی که در ترکیب جغرافیای سیاسی ایران قرار داشت و چه پس از جدایی اجباری از ایران، در چهارراه ارتباطی قرار داشته و هنوز هم با وجود ایجاد راه‌های جدید، این موقعیت را حفظ کرده است، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد اگر این کشور کوچک فاقد نفت و گاز هم بود، باز قابلیت این را داشت که همچنان درکانون توجهات دیگران قرار گیرد. بدون شک، توجه برخی سازمان‌های بین‌المللی مانند ناتو، بیش از آنکه به دلیل وجود انرژی در این منطقه باشد، به سبب موقعیت خاص و برتر جغرافیایی آن است، همان‌طور که برای قدرت‌های اروپایی و آمریکایی، همسایگی و پیوستگی جغرافیایی جمهوری آذربایجان با جمهوری اسلامی ایران، روسیه و آسیای مرکزی که هر سه دارای اهمیت راهبردی هستند، غیر قابل چشم‌پوشی می‌باشد؛ موقعیت جغرافیایی جمهوری آذربایجان به دلایل متفاوت می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران مهم باشد.

۲. ظرفیت مناسب برای همکاری ژئواکونومیک دو کشور

شرایط اقتصادی ایران به نحوی است که باید به دنبال بازارهای جدیدی برای صادرات غیرنفتی خود باشد. بسیاری از بازارها در منطقه و جهان تقسیم شده هستند و تنها می‌توان به بازارهای جدید امیدوار بود. آذربایجان با صادرات نفت و

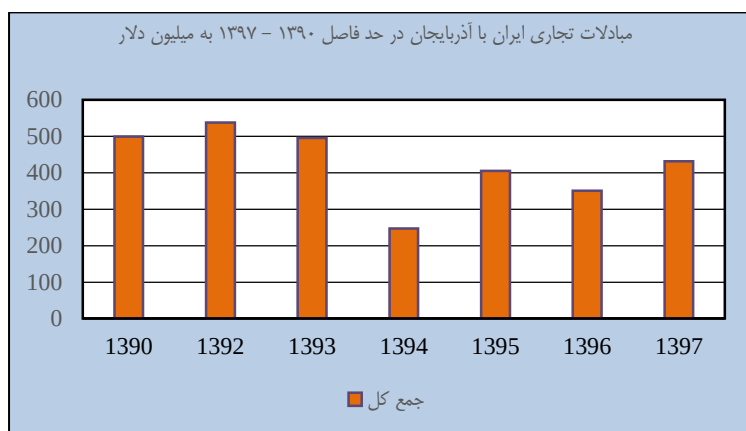
گاز و درآمد مناسب و فزاینده خود دارای بازارهای پرجاذبه‌ای است که با توجه به نزدیکی مسیر و راه‌های مناسب حمل و نقل، مزیت‌های فراوانی برای ایران دارد و در صورت توجه، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری لازم، علاوه بر سایر تأثیرات مثبت، سودآوری فراوانی نیز برای کشور خواهد داشت. (افشردی؛ ۱۳۸۱: ۳۵۲).

ظرفیت‌های موجود برای همکاری اقتصادی و بازرگانی یکی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند نقش مثبت و سازنده‌ای در توسعه روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان داشته باشد. شرایط دو کشور به دلیل قرارگیری در وضعیت کشورهای در حال توسعه از یک طرف و قرابت جغرافیایی دو کشور از طرف دیگر پتانسیل مناسبی را برای توسعه همکاری‌های اقتصادی دوجانبه فراهم کرده است. علی‌رغم نابسامانی اقتصادی که در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۳، به واسطه استقلال از اتحاد جماهیر شوروی و مناقشه قره‌باغ به وجود آمد، اقتصاد آذربایجان نسبت به همسایگان خود از جمله ارمنستان و گرجستان و برخی از دولت‌های آسیای مرکزی در شرایط بهتری قرار داشت (www.monagaba.com). این روند در سال‌های بعد نیز به طور محسوسی ادامه داشت. بررسی آماری روابط اقتصادی ایران و جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر حاکی از رشد میزان روابط اقتصادی دو طرف محسوب شده و نزدیکی جغرافیایی و وجود راه‌های مناسب برای توسعه مبادلات از جمله مهمترین عوامل بوده است.

درمجموع با وجود افت‌وخیز بالای روابط سیاسی بین تهران و باکو، آذربایجان به دلیل الزامات ژئوپلیتیکی موقعیت جغرافیایی خود، همسایگی با ایران و تشابهات تاریخی - فرهنگی، در مقایسه با کشورهای دیگر قفقاز جنوبی، روابط تجاری گسترده‌ای با ایران داشته است. اگرچه در حال حاضر ایران در روابط تجاری - اقتصادی این جمهوری، به دلایل متعددی جایگاه پیشین خود را ندارد؛ هنوز هم بخش عمده مبادلات بازرگانی ایران در قفقاز جنوبی با آذربایجان است و به لحاظ رقابتی با رقبای منطقه‌ای خود، به‌ویژه ترکیه، فاصله زیادی دارد.

جدول ۲. وضعیت واردات و صادرات تجاری ایران با آذربایجان در حد فاصل ۱۳۹۷-۱۳۹۰ (به میلیون دلار)

سال	واردات	صادرات	جمع کل
۱۳۹۰	۴.۳۷	۲.۴۶۴	۶.۴۹۹
۱۳۹۱	۹.۴۴	۱.۴۹۳	۱۰.۹۳۸
۱۳۹۲	۳.۳۱	۱.۴۶۵	۴.۷۷۶
۱۳۹۳	۳.۱۵	۸.۴۳۰	۱۱.۵۸۵
۱۳۹۴	۵.۱۵	۷.۲۳۱	۱۲.۳۸۶
۱۳۹۵	۷.۴۶	۵.۳۵۸	۱۲.۸۱۴
۱۳۹۶	۸.۲۶	۷.۳۲۳	۱۵.۵۸۳
۱۳۹۷	۵.۲۰	۵.۴۱۰	۱۰.۶۱۰



منبع: اتاق بازرگانی تهران: ۱۳۹۹

۳. تنگنای ژئوپلیتیکی آذربایجان

قرارگرفتن جمهوری آذربایجان در خشکی و نیاز به مسیر جمهوری اسلامی ایران برای دسترسی به آب‌های آزاد و مسیرهای مناسب حمل و نقل، از دیگر نکات قابل توجه در این ارتباط است. هر چند جمهوری آذربایجان می‌تواند از طریق دریای مازندران و آب‌راه‌های «ولگا - دن - دریای سیاه» و نیز «ولگا - بالتیک» با دریای مدیترانه و دریای بالتیک و در مجموع اقیانوس‌های هند و اطلس ارتباط برقرار کند، ولی این آب‌راه‌ها توان پاسخگویی کامل به نیازهای حمل و نقل ناشی از گسترش روابط اقتصادی - تجاری این کشور با دریای خارج را ندارند و جمهوری آذربایجان نیازمند بهره‌گیری از موقعیت حمل و نقل و واسط همانند

جمهوری اسلامی ایران، گرجستان و ارمنستان است. به هر حال، جمهوری آذربایجان کشوری است دارای موقعیت بری و برای تماس با دنیای خارج، به ایران و روسیه و سایر همسایگان خود وابسته است. سیاست ایران در قبال همسایگان شمالی، همکاری و حضور فعال در منطقه است چراکه موقعیت ژئوپلیتیک ایران و همچنین تأثیر آن بر کشورهای منطقه، این کشور را در مقام پل ارتباطی که دو منطقه‌ی پر اهمیت جهان یعنی آسیای مرکزی و قفقاز، و خلیج فارس و آب‌های آزاد را به هم متصل می‌سازد قرار داده است. از حیث دسترسی به آب‌های آزاد و ترانزیت کالا و صادرات انرژی اعم از انتقال یا سوآپ، ایران می‌تواند گزینه مناسبی برای کشورهای این مناطق باشد (عیسی نژاد، ۱۳۹۱: ۳). اولویت دسترسی جمهوری‌های غرب خزر (آذربایجان، ارمنستان و نخجوان) به آب‌های آزاد از طریق گرجستان به دریای سیاه است و ایران در اولویت بعدی قرار دارد. درواقع دسترسی به آب‌های جنوب یک انتخاب آگاهانه است و نه ضرورتاً ناشی از جبر جغرافیایی و ملاک‌های حقوقی (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۰۵). هرچند آذربایجان می‌تواند از طریق دریای خزر به واسطه کانال‌های ولگا-دن-دریای سیاه و نیز ولگا-بالتیک با دریای مدیترانه و مجموعاً اقیانوس هند و اطلس ارتباط برقرار کند، ولی این کانال‌ها توان پاسخگویی نیازهای حمل و نقل ناشی از گسترش روابط اقتصادی تجاری این کشور را با دنیای خارج ندارند و آذربایجان نیازمند بهره‌گیری از موقعیت کشورهای ترانزیت نظیر ایران است. آذربایجان کشوری است دارای موقعیت بری و برای تماس با دنیای خارج به ایران و روسیه و سایر همسایگان خود وابسته است. (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۹: ۲۱۳).

۴. پیوستگی و مجاورت جغرافیایی و همسایگی

جمهوری آذربایجان یکی از همسایگان مهم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و از طرفی، برخورداری این کشور از همسایگان با قدرتی مانند ایران برای این جمهوری نیز فرصت خوبی است. از سوی دیگر، دو کشور می‌توانند با تقویت کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی، فعالیت اتاق مشترک بازرگانی، صنایع و معادن، ایجاد بانک‌های مشترک، تاسیس انجمن‌های دوستی، ایجاد

تشکل‌های خصوصی توسعه تجارت از سوی بخش خصوصی، به‌ویژه بازرگانان و تجار دو کشور و استاندارد سازی کالاهای صادراتی، روابط تجاری دو جانبه را افزایش داده و با حضور آسان‌تر در بازارچه‌های مرزی، سهم بیشتری از بازار اقتصادی را به دست آورند. همچنین وجود رود ارس در مرز مشترک دو کشور زمینه مناسبی برای توسعه همکاری‌های متقابل را در امور بهره‌برداری آب و برق فراهم آورده است.

۵. رژیم حقوقی دریای مازندران

مسئله تقسیم دریای مازندران و رژیم حقوقی آن، از جمله عناصر تاثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان است. این دریای بسته به لحاظ تامین منافع ملی و افکار عمومی دو کشور (به ویژه جمهوری اسلامی ایران) که مناطقی از شمال کشور، نظیر آذربایجان را در قرون گذشته از دست داده، از حساسیت خاصی برخوردار است. طبق دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، رژیم حقوقی دریای مازندران باید براساس قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تعیین شود و اگر کشورهای ساحلی اصرار بر تقسیم دریا داشته باشند، حداقل سهم ایران، ۲۰ درصد در سطح منافع آبی و همچنین بستر دریا خواهد بود، اما از نگاه مسئولین جمهوری آذربایجان، سطح آب دریای خزر می‌تواند به صورت مشاع مورد بهره‌برداری مشترک کشورهای ساحلی قرارگیرد، اما بستر دریا باید براساس طول خطوط ساحلی کشورها تقسیم شود. جمهوری آذربایجان در مورد رژیم حقوقی دریای خزر همواره حامی دو الگوی «دریاچه» و «دریال» بوده است. این کشور در ابتدا طرفدار شناسایی خزر به عنوان یک دریاچه و تقسیم آن با در نظر گرفتن استقلال و حاکمیت کامل کشورهای ساحل خزر بود. پیشنهاد دیگر جمهوری آذربایجان برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، موضع‌گیری آن بر مبنای اصول مربوط به «آب‌های آزاد» است. این جمهوری خواهان اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲، سازمان ملل درخصوص حقوق دریاها ست. در صورت پذیرش این پیشنهاد، هر دولت ساحلی از ۱۲ مایل دریایی سرزمین و ۲۰۰ مایل «منطقه ویژه اقتصادی» برخوردار خواهد بود. به همین دلیل، روسیه و ایران با اجرای رژیم حقوقی

دریاچه‌ها و دریاها در مورد این دریا مخالف هستند. به هر حال، این موضوع به عنوان یکی از بسترها و عوامل اختلاف‌برانگیز میان دو کشور مطرح بوده است تا اینکه در پنجمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای کاسپین در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ هجری شمسی، برابر با ۱۲ اوت ۲۰۱۸ میلادی در شهر آق‌تاو برگزار گردید، در پایان این نشست متن کامل کنوانسیون رژیم حقوقی دریای کاسپین به امضای پنج کشور ساحلی روسیه، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان و ایران رسید و به عنوان یکی از زمینه‌های همکاری دو کشور شناخته شده است. بررسی سند نشان می‌دهد که، توافق‌نامه همکاری در زمینه‌های حمل‌ونقل، تجارت و اقتصاد، پروتکل اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از حادثه در دریای خزر، مبارزه با تروریسم و جرائم سازمان‌یافته و همکاری نهادهای امنیتی توسط آنان به امضای پنج کشور رسیده است. همچنین طبق این توافق‌نامه، خزر براساس فاکتورهایی مانند استفاده از بستر و زیربستر، پهنه دریایی، حدود ماهیگیری و استفاده از منابع تقسیم خواهد شد. خزر دارای رژیم حقوقی خاصی با رژیم حقوقی آب‌های آزاد مندرج در کنوانسیون سال ۱۹۸۲، حقوق دریاها نیز متفاوت است. در این توافق‌نامه همچنین تاکید شده که تمام مسائل حقوقی دریای خزر تنها با اتفاق نظر پنج کشور ساحلی آن عملی و اجرایی خواهد بود و رفت‌وآمد کشتی‌های نظامی خارجی کاملاً ممنوع است. مذاکرات حول چگونگی استفاده از حریم هوایی خزر ادامه خواهد یافت (سند کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر، ۱۳۹۷).

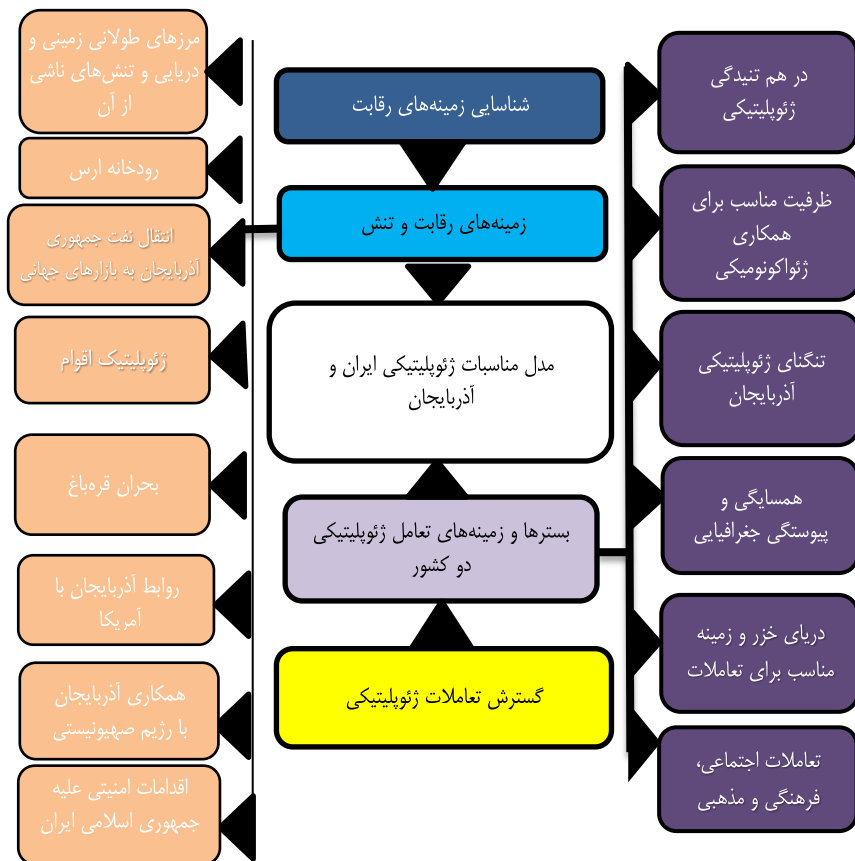
۶. تعاملات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی

اسلام دین مشترک مردم آذربایجان و ایران است. داشتن دین مشترک زمینه معنوی و فرهنگی مساعدی را برای نزدیکی روابط مردم دو کشور ایجاد می‌کند. مذهب در آذربایجان در قرن‌های متمادی برای حیات عمومی الزام‌آور بوده است. از دوران قدیم تقریباً تمام جنگ‌ها، اصلاحات و فرایندهای سیاسی در آذربایجان زیر لوای مذهب به وقوع پیوسته است (Valiye, 2005). این ویژگی در مورد ایران نیز صدق می‌کند. به نحوی که بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی ایران هم در طول تاریخ متأثر از آموزه‌های اسلامی بوده و تشیع نیز مذهب اصلی مردم دو

کشور به شمار می‌رود. بعد از ایران، آذربایجان تنها کشوری است که بیشترین شیعه را در خود جای داده است. طبق نظر استراتژیست‌های ایرانی، تشیع علاوه بر عوامل دیگر (تاریخ مشترک، برخی ارزش‌های فرهنگی مشترک و غیره) نقش بسیار مهمی در ایجاد پایه‌های نفوذ ایران در آذربایجان ایفا می‌کند. در واقع مذهب، عنصر اصلی پیوند آذربایجان با ایران است. به همین دلیل جمهوری آذربایجان از نظر میزان همبستگی و انسجام اجتماعی در بعد مذهبی در سطح بالای هم‌گرایی با ایران قلمداد می‌شود. از این رو عامل دین و مذهب به‌طور بالقوه از عوامل مهم و مؤثر در تقریب الگوی روابط ژئوپلیتیکی ایران و جمهوری آذربایجان در بعد همکاری به حساب می‌آید (بیگدلی، ۱۳۷۷: ۱۶۲). از سوی دیگر جمهوری آذربایجان به لحاظ اشتراک‌های تاریخی، آداب و رسوم و فرهنگی نزدیکی فراوانی با جمهوری اسلامی ایران داشته و این نکته‌ای ضروری و قابل توجه است که می‌تواند به عنوان یک عامل مثبت ژئوپلیتیکی مورد توجه و بهره‌برداری قرار گیرد. سابقه وحدت بین جمهوری آذربایجان با ایران به دوره هخامنشیان برمی‌گردد و نفوذ فرهنگ و زبان ایران در این منطقه به آن دوره زمانی مربوط است، بنابراین اگر دوره جدایی دو کشور از اوایل قرن ۱۳ و سده‌های پیش از صفوی‌ها را در نظر بگیریم ملاحظه می‌شود که ایران و آذربایجان سابقه تاریخی مشترک حدود هزار ساله دارند و از این رو دارای میراث تاریخی مشترک هستند. امروزه نمونه‌های زیادی در دسترس است که بیانگر میراث مشترک دو ملت می‌باشد. وجود شعرا و بزرگانی چون نامی گنجوی، خاقانی شروانی و اندیشمندان مسلمانی چون لنکرانی و نخجوانی و صدها نمونه دیگر خود دلایل محکمی بر وجود سابقه تاریخی مشترک دو ملت است. بعد از استقلال جمهوری آذربایجان و فروپاشی اتحاد شوروی ارتباط فرهنگی میان ایران و این جمهوری گسترش یافت. انتشار کتاب، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های فرهنگی، تأسیس مراکز آموزشی، فرهنگی و... از جمله ابعاد و روابط دو طرف در حوزه فرهنگی بوده است (امیری، ۱۳۸۶: ۲۵۶). ضمن اینکه عامل زبان ترکی که بخشی از مردم ایران در استان‌های هم‌جوار با این جمهوری و سایر نقاط به آن تکلم می‌کنند یکی دیگر از اشتراکات

مهم فرهنگی دو ملت می باشد.

شکل ۲. مدل پیشنهادی بهبود روابط دو کشور بر محوریت شناسایی زمینه‌های رقابت و گسترش تعاملات ژئوپلیتیکی



منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به مدل پیشنهادی باید موارد زیر به عنوان مبنایی برای توسعه تعاملات میان دو کشور قرار گیرد:

- گسترش تعاملات ژئوپلیتیکی در روابط دو کشور نیازمند کاهش زمینه‌های رقابت و تنش در روابط دو کشور می‌باشد.

- یکی از مهمترین زمینه‌های رقابت و تنش در روابط ژئوپلیتیک دو کشور بحث ادعاهای سرزمینی و قومی میان دو کشور است؛ توصیه می‌شود که مسئولین

دو کشور به ویژه آذری‌ها از طرح مسائل مربوط به آذربایجان ایران و مانورهای سیاسی بر سر این منطقه خودداری کنند.

● با توجه به درهم‌تنیدگی ژئوپلیتیک دو کشور و پیوستگی جغرافیایی دو کشور در طول دوران تاریخی، می‌توان از این ظرفیت برای گسترش تعاملات ژئوپلیتیکی دو کشور استفاده کرد.

● دو کشور می‌توانند با تأکید بر عواملی مانند اشتراکات مذهبی، سنن و رسوم مشترک و سایر اشتراکات فرهنگی که جزء پتانسیل‌های دو ملت برای هم‌گرایی هستند به جای مسائل چالش برانگیز، به همسویی و هم‌گرایی بیشتری دست یابند.

● دو کشور از منظر ژئوپلیتیک به یکدیگر نزدیک هستند، اما از منظر ایدئولوژیکی از یکدیگر فاصله دارند؛ بنابراین دولت‌های ایران و جمهوری آذربایجان نیز بهتر است با تأکید بر نیازمندی‌های متقابل ژئوپلیتیکی از قبیل امتیازات همسایگی، قرارگیری در مناطق حساس جهان، همسایگی با دریاچه خزر و مسائل آن، مبادلات تجاری و غیره از طرح مسائل ایدئولوژیک تا حد امکان به صورت صریح خودداری نمایند.

● کاهش دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای گسترش تعاملات و همکاری میان دو کشور ضروری است. در این میان آذربایجان باید به کاهش نقش آمریکا و اسرائیل در روابط خود با ایران، و ایران به کاهش نقش ارمنستان در روابط خود با آذربایجان اقدام کند.

نتیجه‌گیری

عنصر ژئوپلیتیک، یکی از مهمترین و پایدارترین عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی و راهبردهای دفاعی - امنیتی کشورها به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی برجسته و تسلط بر تنگه هرمز و حوزه دریایی خزر، موقعیتی ژئواستراتژیکی چون در اختیار داشتن منابع فراوان انرژی، سابقه تمدنی درخشان و کشوری برجسته در جهان اسلام و... دارای پتانسیل‌های برجسته‌ای است. وجود برخی عوامل از جمله داشتن مرزهای طولانی آبی - خاکی با آذربایجان، حوزه عمل و پیوندهای ژرف تاریخی - فرهنگی با منطقه، ژئوپلیتیک

برجسته، دسترسی به دو حوزه آبی دریای کاسپین و خلیج فارس و برخورداری از مزیت‌های نسبی انرژی و حمل و نقلی و امکان بهره‌گیری کشورهای عضو از قلمرو ایران برای انتقال کالا و انرژی به بازارهای جهانی موجب شده تا همکاری ایران، منافع بسیاری را برای آذربایجان و کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی به همراه داشته باشد، به طریقی که چشم‌پوشی از ایران را برای آنها سخت و دشوار می‌سازد. هرچند روابط ایران و جمهوری آذربایجان در دو دهه اخیر با فراز و نشیب‌های زیادی روبرو بوده، وجود موانع و چالش‌های بسیار در روابط دو کشور باعث شده که حجم تعاملات دو کشور همواره در سطح پایینی قرار داشته باشد. عمده اختلافات دو کشور به ماهیت نظام‌های سیاسی و نیز رقابت آنها در چهارچوب دسته‌بندی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برمی‌گردد. شکل‌گیری نظام سیاسی آذربایجان بر اساس سکولاریسم و جدایی دین از سیاست با الگوی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیوند دین و سیاست همخوانی ندارد. این در حالی است که تهران از ابتدا قصد داشت روابط با جمهوری آذربایجان را با توجه به حضور اکثریت شیعه در این کشور با محوریت مسائل فرهنگی و به‌ویژه مذهبی دنبال کند. به‌رغم وجود برخی فرصت‌ها برای ارتقای سطح روابط دو کشور ایران و آذربایجان؛ مانند برخورداری از اشتراکات فرهنگی و تاریخی، نقش‌آفرینی عوامل چالش‌زایی همچون توسعه روابط جمهوری آذربایجان با ناتو، ایالات متحده و رژیم اسرائیل که مورد حساسیت ایران است و گسترش روابط ایران با ارمنستان که حساسیت باکو را برمی‌انگیزد و مسائل دیگری از جمله رژیم حقوقی دریای خزر عملاً محدودیت‌های فراوانی را برای تهران و باکو را افزایش داده است. گاهی اوقات برخی عناصر که به‌طور بالقوه فرصت‌ساز هستند کارکردی معکوس پیدا می‌کنند و به عوامل و پارامترهای تهدیدزا تبدیل می‌شوند. برای مثال عامل نزدیکی جغرافیایی که به‌طور بالقوه می‌تواند مسیر توسعه روابط دو بازیگر را تسهیل کند، در صورت فقدان عوامل مکمل می‌تواند به منبعی برای سیاست‌های مداخله‌جویانه تبدیل شود. عمده عواملی که به عنوان همکاری در روابط ژئوپلیتیکی ایران و آذربایجان ذکر شد از جمله عنصر نزدیکی جغرافیایی،

برخورداری از میراث فرهنگی و تاریخی مشترک، درهم‌تنیدگی ژئوپلیتیکی دو کشور، تنگنای ژئوپلیتیکی آذربایجان، رژیم حقوقی دریای مازندران و تاثیر سیاست جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران عوامل بالقوه‌ای برای همکاری ژئوپلیتیکی دو کشور به حساب می‌آیند. به‌ویژه اینکه به لحاظ مذهبی و زبانی نیز مردمان دو کشور کاملاً به هم نزدیک هستند. اما پاره‌ای از عوامل هستند که ذاتاً تهدیدی برای توسعه روابط به حساب می‌آیند و برخلاف عوامل بالقوه معمولاً ماهیت آنها به آسانی تغییر نمی‌کند. برای مثال اختلاف بر سر میزان سهم هر یک از دو کشور در دریای خزر از آنجایی که تابع قواعد بازی با حاصل جمع صفر بوده و تعارض منافع دو طرف را به دنبال دارد، منبع بالفعل چالش در روابط ایران و آذربایجان خواهد بود. با توجه به سیر تحولات به نظر می‌رسد که در آینده نیز این عوامل به عنوان بخشی از واقعیات روابط آتی دو کشور مطرح خواهند بود. از این رو توسعه روابط همه‌جانبه تهران-باکو مستلزم اقدامات مناسب برای کاهش عوامل بازدارنده است. علاوه بر این، عوامل دیگری نظیر انتقال نفت جمهوری آذربایجان به بازارهای جهانی و همکاری این کشور با رژیم صهیونیستی زمینه را برای رقابت ژئوپلیتیکی دو کشور تشدید کرده است. وجوه اشتراک بین ایران و آذربایجان بیش از وجوه افتراق آن است. هر دو کشور باید بیشتر بر وجوه اشتراک تکیه نمایند، هرچند که آذربایجان بیشتر به وجوه افتراق توجه دارد و درصدد بزرگ‌نمایی آن است و بنابراین به جمهوری اسلامی ایران نه به عنوان یک متحد منطقه‌ای؛ بلکه به عنوان یک تهدید می‌نگرد.

منابع

- احمدی پور، زهرا و علی ولی قلی زاده (۱۹۸۹). «بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای». فصلنامه جغرافیا. س ۸. ش ۱۷. ص ۷-۱۷.
- افضلی، رسول؛ رشیدی، مصطفی و متقی، افشین (۱۳۹۱). «تحلیل ساختار ژئوپلیتیک حاکم بر روابط دو جانبه ی ایران و جمهوری آذربایجان از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۰ میلادی با رویکرد جغرافیای برساخت گرایی». پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ش ۸۰.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۴). روابط ایران و جمهوری آذربایجان، نگاه آذری‌ها به ایران. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیری، مهدی (۱۳۸۶). ارزیابی روابط ایران و آذربایجان در قرن بیستم. نشریه مجلس و پژوهش. س ۱۳. ش ۵۳.
- ایوانز، گراهام و جفری نونام (۱۹۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: نشر میزان.
- بیگدلی، علیرضا (۱۳۷۷). «نگاهی به روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان». فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. س ۷. د ۳. ش ۳۴.
- پیشگاهی فرد، زهرا و سیدرحمت الله موسوی‌فر (۱۳۸۹). منافع قدرتهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای در حوزه ی ژئوپلیتیک قفقاز. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴). «تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه». فصلنامه تحقیقات جغرافیایی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسین پور پویان، حسین (۱۳۹۰). «تبیین روابط ژئوپلیتیک در مناطق مطالعه‌موردی: شبه‌قاره هند». رساله دکتري. دانشگاه تربیت مدرس.
- حسین پور پویان، حسین (۱۳۹۲). «تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در مناطق ژئوپلیتیکی». فصلنامه ژئوپلیتیک. س ۹. ش ۲.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا (۱۳۹۰). «قدرت منطقه‌ای ایران و چالش‌های خارجی پیشروی آن». مجله سیاست. د ۴۱، ش ۴.

سند کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر (۱۳۹۷). منتشر شده.
عیسی نژاد، سید محمد و فاطمه بشیریان (۱۳۹۱). «تحلیل ژئوپلیتیک روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان». مجموعه مقالات چهارمین همایش علمی سراسری دانشجویی جغرافیا. اردیبهشت ۱۳۹۱.
قاسمی، فرهاد (۱۹۸۸). اصول و روابط بین الملل. تهران: نشر میزان.
قربانی نژاد، ربیاز (۱۳۹۲). «الگویابی سرچشمه های ژئوپلیتیکی تنش در روابط کشورها (مطالعه موردی: آسیای جنوب غربی)». رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۳). «توسعه و مسأله ی ترانزیت کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز». مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. س ۲. ش ۴.
لیتل، ریچارد (۱۹۸۹). تحول در نظریه های موازنه قوا. ترجمه غلامعلی چگینی زاده. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران.
موسوی، سید محمدرضا و فریبرز مولودی (۱۳۹۱). «بررسی موانع راهبردی در گسترش روابط ایران و جمهوری آذربایجان». فصلنامه قفقاز س ۳. ش ۹.
واحدی، الیاس (۱۳۸۲). برآورد استراتژیک آذربایجان. تهران: ابرار معاصر.

- Agnew, Jhon, 2013. **Geopolitics: Re-visioning World Politics**. second ed..London. Routledge
- Agnew, John 1998. "Geopolitics, Encyclopedia-Encarta," C. D.
- Alex Vatanka 2013. "Azerbaijan- Iran Tensions Create Obstacle to Caspian Resolution", Eurasia Insight.
- Alvandi, R., 2012. "Nixon, Kissinger, and the Shah: the Origins of Iranian
- Beehner Lionel 2005. "Nagorno karabakh: the Caucasus", Council On Foreign Relations, In: www.cfr.org.novemberz.
- Blacksell, M., 2006, **Political Geography**, Routledge.
- Braden, Kthleen. E & Shelley, Fred, M 2000. **Engaging Geopolitics**", England: person Education Limited
- Chubin, shah, 1995, **Iran's National security**, in Geffery kemp and Janice Gross stein (ed) Power Keg in the Middle East, Lanham; Rowman and Littlefield publisher Inc.
- Ciment, James 1996, **The Kurds: State and Minority in Turkey, Iraq and Iran**. USA- New York: Factson File, Inc;
- Clapsa, k, 2016. Man, **The State, and War**. New York: Columbia University Press.
- Cordesman, Anthony H. 2011, "US and Iranian Strategic Competition
http://csis.org/files/publication/120228_Iran_Ch_VI_Gulf_State.pdf

- Dalby, Simon 1998. "**The Geopolitics Reader**," edited by O Tuatail, Dalby by: Routledge.
- Deutsch, K., 1957, Political Community and the North Atlantic Area.
- Dodds, Klaus. 2000. "**Geopolitical in a Changing World**," England: Pearson Education Limited.
- Dwivedi, R, L 1990. "**Fundamentals of political Geography**," Allahabad: Chaitanya Publishing House.
- Furtig, Henner 2002, Iran's Rivalry with Saudi Arabia between the Gulf Wars, NY: Garnet Publishing Limited.
- Garfinkle, A., 2015, **The Geopolitical Frame in the Contemporary Middle East**, Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, July 14, P. 533.
- Garfinkle, A., 2015, **The Geopolitical Frame in the Contemporary Middle East**, Published for the Foreign Policy Research Institute by Elsevier Ltd, July 14, P. 533.
- Johnston, R. J & Gregory & Derek, Smith, M, (1994). "**The dictionary Housman Geography**", U. K: Blackwell.
- Lionel, Beehner 2015. "**Nagorno Karabakh: The Crisis in the Caucasus**", Council on Foreign Relations, available at: www.cfr.org/armenia/nagornokarabakh-crisis-caucasus/p9148.
- Lipset, Seymour Martin , 1991, Political Man: The Social Bases of Politics
- Neuman, L, 2006, Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches, London: Allyn and Bacon
- Nixey, James 2010, "**The South Caucasus: Drama on Three Stages**", , pp. 125142. Available at: <http://www.chathamhouse.org/sites/default/files>, (access on: 3/8/2011).
- Parker, Geoffrey., 2016, **The Geopolitics of Domination**, pulication by Routledge.
- Petsinger, Marianne ,2016., Geoeconomics Fellow in the US and Americas Programme at Chatham House.
- Prescott,J.R.V., 1987, **The Geography of frountiers and boundaries**. New Jersey. Pub: Taylor&Francis primacy in the Persian Gulf", Diplomatic history, 36 .
- Rasizade, Alec (2011), "**Azerbaijan's prospects in Nagorno-Karabakh**", Journal of Balkan and Near Eastern Studies, Vol 13, no.2.

- Rosamond, Ben ., 2000, **Theories of European Integration**. London: Macmillan Press LTD
- Rosamond, Ben ., 2000, **Theories of European Integration**. London: Macmillan Press LTD.
- Sanati, R 2013. The Saudi Oil War on Iran. The National Interest, Retrieved 12 August 2013.
- Scholvin, Soren., 2016, **An Overview Of Concepts And Empirical Examples From International Relations**, Institute of Economic and Cultural Geography, University of Hanover
- Shaffer, Brenda 2005, **“From Pipedream to Pipeline: A Caspian Success Story”**, Current History, Vol.104, No. 684, pp.343-346.
- Taylor, P. J, & Flint,C., 2000, **”Political Geography:World - economy, Nation - states and Locality”**, (fourth editioned.), London: Pearson Education.
- Taylor, Peter 1994. **Political Geography**, England: Longman Scientific & Technical.
- Valeriano, B., 2003, **Becoming rivals: the process of rivalry development**, In: Vasquez, J.A. (ed) What Do We Know About War? (2nd ed). Rowman and Littlefield, Lanham, MD.
- Valeriano, Brandon ., 2003, **The Steps To Rivlary:Power Politics And Rivlary Formation**, PhD Dissertation, Vanderbilt University, Nashville, Tennessee, United States
- Valiyer Anar, 2005.**Azerbaijan: Islam in a Post – Soviet Republic”**, Middle East Review of International Affairs, Vol. 9, No.4, December.
- www.britannica.com/ Encyclopedia Britannica 2018